

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۱۳ * (۱۲ ذی قعدة ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس | (۲) شور و تصویب مواد ۱۹۷ تا ۱۰۲۰۲ سرخط قانون مدنی |
| (۲) شور اول عهد نامه مودت و اقامت و وجه الضمانه و ارفاق قضائی بین دولین ایران و سویس | (۳) تقدیم دو نقره لایحه از طرف وزارت عدلیه |
| | (۴) موافقت و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس يك ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه بیستم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر)

صورت مجلس تصویب شد

۲ - شور اول عهدنامه مودت و اقامت و

وجه الضمانه و ارفاق قضائی بین دولین ایران و سویس

آقای معادن وزارت امور خارجه مطرح نموده و مورد

موافقت کبیسیون واقع شد و اینک عین ماده پیشنهادی دولت

را برای شور اول مجلس مقدس تقدیم مینماید

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت

میشود.

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت مشتمل

بر پنج ماده و يك پروتکل اختتامیه و قرارداد اقامت

مشتمل برده ماده و فرار وجه الضمانه قضائی و ارفاق

قضائی مشتمل بر پنج ماده که در پنجم اردی بهشت ۱۳۱۲

مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ بین دولت شاهنشاهی و دولت

سویس در برن امضاء شده تصویب مینماید

رئیس - خبر کبیسیون امور خارجه راجع به عهدنامه

بین دولت ایران و سویس شور اول قرائت میشود

کبیسیون امور خارجه در جلسه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۱۳

لایحه نمره ۳۴۰۳۷ دولت راجع به عهدنامه مودت و فرار

داد اقامت و ارفاق قضائی بین ایران و سویس را باحضور

* عین مذاکرات مشروح یکمده و بیست و چهارمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق ماده ۱ اندر ماده ۱۲۰۰)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

قلابین بی اجازه - آذغان - حاج لاجین ملک - اسدی - دکتر قزل‌الغ - وکیل - طهرانی - محمود ثانی - پرنس آقا و باجراوه

شریعت زاده - کورس - هراز - معدل

دیر آمدگان بی اجازه - آذغان - مؤید قوامی - یات - انسی - امینداری - مصطف - فراکرلو .

رئیس - عهدنامه مودت مطرح است اشکال نیست (خیر) آنگاه بیکه برورد درشورماد ذواتش قیام فرمایند.

(اکثر قیام نلذند)

رئیس - تصویب شد. در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ اعتراضی نیست در پروتکل اختصامه هم اعتراضی نیست موافقین برورد در شرف قیام فرمایند (اکثر قیام نلذند)

رئیس - تصویب شد. قرارداد اقامت مطرح است در آهم نظری نیست (خیر) آنگاه قیامی که برورد در مواد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در ماده ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ هیچکدام اعتراضی رسیده است آنگاه بیکه پشور دوم لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نلذند)

رئیس - تصویب شد. قرارداد وجهالذمانه قضایی مطرح است. در آهم اشکالی نیست. آنگاه بیکه برورد در مواد موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. در ماده ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ آنگاه بیکه پشور دوم قرارداد وجهالذمانه قضایی موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد (۳ - شور و تصویب مواد ۹۸۷ و ۱۰۴۰ امر بیوط به قانون مدنی)

رئیس - خیر آنگاه بیون عدلیه را بجهت دوم قنون مدنی از ماده ۹۸۷ شور دوم:

ماده ۹۸۷ - زن ایرانی که با بینه خارجه مزاجت می نماید به نایب ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون میلکیت زوج نایبش شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بیرون کشیده شود ولی در صورت بدواز ولایت شوهر ویا طریق بنظر تقدیم درخواست بوزارت امور خارجه با تضام ورقه تصدیق فوت شوهر ویا سند

آن مقرر است باید در مدت یکسال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه اسرا بخارج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و چنین اشخاص هرگاه در آیه بخواهند بایران بنشینند اجازه مخصوص خبثت وزراء آهم برای يك دفعه و مدت معین لازم است

رئیس - اشکالی نیست (خیر) موافقت برخیزند (اغلب قیام نلذند) تصویب شد ماده ۹۸۹

ماده ۹۸۹ - هر هیئت ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمس تأیید خارجی تحصیل کرده باشد بیعت خارجی او کال می یکن بوده و هیئت ایران شناخته میشود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او بانظارت مدعی الموم محل فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد و علاوه از اشتغال بوزارت و معاونت وزارت و عضویت مجلسی مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بدلی و هر گونه مشاغل دولتی محرم خواهد بود

رئیس - موافقتین با ماده ۹۸۹ برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۰

ماده ۹۹۰ - از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات فیصله تأیید کرده باشند و بخواهند به بیعت اصلیه خود رجوع نمایند بمجرده درخواست تأییدت ایران قبول خواهد شد مگر آنکه دولت تأییدت آنها را صلاح بداند

رئیس - آنگاه بیکه با ماده ۹۹۰ همراهند برخیزند (اکثر قیام نلذند) تصویب شد ماده ۹۹۱

ماده ۹۹۱ - تکلیف مربوطه بچاره قنون تأییدت واخذ مخارج دفتری (حقوق شالری) در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از ولایت دولت شاهنشاهی تقاضای بیعت با اصلیه او دارند بموجب تقاضنامه که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهند شد (رئیس - موافقتین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۲

کتاب سوم دراستان سبیل احوال ماده ۹۹۲ - سبیل احوال هر کسی بموجب دلاری که برای این امر مقرر است - معین میشود (رئیس - آنگاه قیامی عطا میاید میاید - در این لایحه وسایل لایحه دیگر که راجع بظنون مدنی تقدیم مجلس میشود اشاره بیسی احوال شخصی می شود که آنها يك قوانین مخصوصی دارد مثلا در همین کتاب سوم که راجع بسبیل احوال می نویسد در صورتیکه سبیل احوال يك قوانین مخصوصه دارد که در اینجا بعضی مواد آن قنون ذکر شده و بعضی از آنها ذکر نشده است بینه عارده ام این است راجع باین چیزهایی که قوانین مخصوصه دارد مثل سبیل احوال و ازدواج و بعضی قوانین دیگر آن قوانین را باید جمع آوری سکرد و آنها را که لازم است و بایستی ذکر شود ذکر کرد و آنها را که حقیقه لازم نیست و در جزء تقاضنامه است آنها را در تقاضنامه ذکر کنند در اینجا بعضی از مواد سبیل احوال هست که بنده می بینم چندان مربوط بظنون مدنی می نیست از آن طرف بعضی از مواد دیگرش اسلا بیست بینه بده اگر همه را جمع می کردیم و در یکجا ذکر می کردیم بهتر بود وزیر عدلیه - نکته را که آنگاه بیکه ذکر کرده اند رعایت شد است قنون سبیل احوال يك قسمت مربوط است به قنون مدنی که تکلیف اصلیه و اولیه است باقیمت به طرز سبیل احوال و انجمن مقرراتی است که بموجب قنون اداری سبیل احوال تنظیم شده است و آنها اصلاحاتی لازم دارد که تقدیم خواهد شد عیالاً این قسمت که در این ماده ذکر شده است سرایت بجهان حقوق مدنی است (رئیس - موافقتین - با ماده ۹۹۲ برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد: ماده ۹۹۳

ماده ۹۹۳ - امور ذیل باید در ظرف مدت و بطرفی که بموجب این با تقاضات مخصوصه مقرر است بدایره سبیل احوال اطلاع داده شود.

۱ - ولادت هر طفل و همچنین سقط مرتین که بعد از ناه شفق از تاریخ عمل واقع شود.

۲ -

۳ -

۴ -

۵ -

۶ -

۷ -

۸ -

۲ - ازدواج امم از دائم و منقطع
 ۳ - ملاقات امم از بائن و جمعی و همچنین بدل مدت
 ۴ - وفات هر شخص
ولیس - آقایانکه باساده ۹۹۳ همراهند بر خیزند
 (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۴
 ماده ۹۹۴ - حکم قوت فرضی غایب صکه برطبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر میشود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود
ولیس - اشکالی نیست (غیر) موافقین قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۹۵
 ماده ۹۹۵ - تغییر مطالبی که در دفتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه
ولیس - آقایانکه با ماده ۹۹۵ موافقت دارند بر خیزند
 (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۹۹۶
 ماده ۹۹۶ - اگر عدم صحت مطالبی که بدائرة سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال بعنوان مجهول الهوية قید شده است معین شود و یا حکم قوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفتر مربوطه سجل احوال قید شود.
ولیس - موافقین بر خیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۹۹۷
 ماده ۹۹۷ - هر کسی باید دارای نام خانوادگی باشد انشاءذاتهای مخصوص که بموجب نظامنامه اداره سجل احوال معین میشود ممنوع است
ولیس - آقای دبیبا
طباطبائی دبیبا - اینجانبند میخواستم آقای وزیر عدلیه یک توضیحی بدهند که هر کسی باید دارای نام خانوادگی باشد ممکن است بعضی اشخاص یک نام خانوادگی برای خودشان بگیرند و بخواندانش هم هیچ کاری ندارد حالا این جائز است یا غیر بنده کدام یکم که مانع نیست ولی اینجا که نوشته شده است نام خانوادگی مثل این است

اولیاء آن طفل هستند اولیاء هم معیت است بنابراین این کوشی نمیدهند باظهارات دیگری و جایش هم در اینجا نیست اینجا فقط گفته میشود سند ولادت کسبکه صادر شد یعنی صحیحاً صادر شد این سند رسمی خواهد بود
ولیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۰
 ماده ۱۰۰۰ - سایر مطالب راجع بسجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه های مخصوصه مقرر است
ولیس - موافقت بر خیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۱
 ماده ۱۰۰۱ - مامورین فوارسی ایران در خارج باید نسبت بایرانیان مقیم حوزه ماموریت خود وظایفی را که بموجب قوانین و نظامنامه جاریه بعهده دوائر سجل احوال مقرر است انجام دهند
ولیس - موافقین بر خیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۲
 کتاب چهارم در افتنامه
 ماده ۱۰۰۲ - افتنامه هر شخصی عبارت ازحلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او افتنامه محسوب است
 افتنامه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود
ولیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۰۰۳
 ماده ۱۰۰۳ - هیچکس نمی تواند بیش از یک افتنامه داشته باشد
ولیس - موافقین بر خیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۰۰۴
 ماده ۱۰۰۴ - تغییر افتنامه بواسطه سکونت حقیقی در محل دیگر بمدل می آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور نیز همان محل انتقال یافته باشد
ولیس - یک او باید اضافه شود باین طریق مرکز مهم امور او

وزاران مانند که اوراق دعوی بشهر ابلاغ شود زیرا ممکن است که شوهر بر ضرر زن پا رساند این باید در قانون اصول محاکمات رعایت شود که اگر فرض کنیم پسر یا پدرش اختلاف داشته باشد نخواهد پدر که در مقام خصومت اوراق ابلاغ شده باو اطلاع دهد باید در آنجا هم بگویم که رساندن به همسر پدری یا همسر شوهری یا برادری صحیح نیست و ناچار اینجا هم باید که خود آنتنض آن اختلاف را اطلاع بدهد بمحکمه دهر حال جایش در قانون اصول محاکمات است.

رئیس - آقای انسر -

بم نظر بنده از مد نظر اعتبار قانونی شبهه بهمن دوسه مطالبی است که در اینجا ذکر شده و چندین فرق نیست که در قانون اصول محاکمات بیان شده همینطور که در اینجا ذکر شد اگر در این جا بین خود کما حد در اصول محاکمات جنواری زوسی ندارد چون این قسمت هم منافی با اصول برای منی ندارد چه ضرر دارد که نوشته شود و همچنین متواید اقامتگاهی جهت خودرسمین شود این چیزی نخواهد بود البته درجه چیزها تابع خود خواهد بود واستقلال زوجه در حقوق در ملکیت با مثل بعضی ممالک خارجه نیست زن نهایت استقلال را دارد استقلال مالی همه جود دارد چه در اوقات که بنیاست اینکه اجدال ضرر مالی بدهد پاک اقامتگاهی برای اینکه موافق همین گوی و این از شون قانون چندی دور نخواهد بود و آتدر خارج خواهد بود که لازم باشد در قانون اصول محاکمات ذکر شود اگر در آنجا مین خدمت گمانی ندارد و اگر بعد میخواهد مین گنید هیچ ضرری ندارد که در اینجا مین گنید.

ولیر علیله - باید قوانین با هم خلط شود ما اینجا اقامتگاه را برین بنویسیم که چیست برای اینکه پس از این در هر قانون که اقامتگاه آنتیم دیگر محتاج به شرح نیاید رجوع میکنیم به همان اقامتگاهی که قانون مدنی مین کرده است و در قوانین ازدواج بعد خواهد آمد که زنی

نمی تواند ممکن بیاورد اختیار کند و این حق را ندارد و او را بشود گفت که بله یک ناچاری است یا مثل یک پدر اداره ایست که بتواند یک جای علیجده برای ابلاغ اوراق دعوی جهت خود مین گنید این است ۳-ت را ندارد برتربیا.

رئیس - آقایان که باماده ۱۰۰۵ موافقت دارند بر خیزند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۰۶ قرائت میشود. ماده ۱۰۰۶ - اقامتگاه صغیر و مجبور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است.

رئیس - آقایان موافقین بر خیزند. (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۰۷ قرائت میشود: ماده ۱۰۰۷ - اقامتگاه با مورورین دولتی عملی است که در آن جا با موریت ثابت دارند.

رئیس - آقایان موافقین بر خیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۰۸ ماده ۱۰۰۸ - اقامتگاه افراد نظامی که در مسافر هستند عمل مسافر آنها است.

رئیس - آقایان که با این ماده موافقت دارند بر خیزند (بیشتر بمیانگدان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۰۹ ماده ۱۰۰۹ - اگر اشخاص کبیر که میمولا ترد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کار فرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کار فرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

رئیس - آقایان موافقین بر خیزند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۱۰ ماده ۱۰۱۰ - اگر ضمن معامله با فرار دای طرفین معامله با یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله مدعی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب

کرده باشد است بدعاری راجحه پاک معامله همان عملی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و هم چنین است در صورتیکه برای اوراق دعوی و احوال و اختلال عملی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود مین کند

رئیس - موافقین با ماده ۱۰۱۰ بر خیزند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۱۱

کتاب پنجم - در غایب بمفرد الاثر

ماده ۱۰۱۱ - غالب بمفرد الاثر کسی است که از قیمت او مدت باسوه مدعیه گذشته و از او بهیچ وجه خبری نباشد.

رئیس - آقای اورنگ -

اورنگ - بنده راجع به این ماده عرض این است که غالب مفرد الاثر را بدون تعیین يك مدعی نمیتوان توافق کرد در مورد يك مفرد الاثری ممکن است يك مدعی پیدا شود و او را مفرد الاثر فرض کنند و بر او بلیق دعوائی اقامه کنند چون مدعی طلبش معلوم نیست و چون مدت ندارد و بیگن است اسباب اشعار باشد اگر مدعی را مبین کنیم که آن وقت برای یکمرد و از آن غالب اثری باشد آرا بمفرد الاثر برای او بگذرد و اگر آن مدت نگذشته باشد او را مفرد الاثر فرض نکنیم و گمان میکنم اگر اینطور باشد اشکال کذا ایجاد میشود برای مردم و اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمائید با همین يك مدعی گمان میکنم بهتر باشد.

ولیر علیله - بنظر بنده مشکل است يك مدعی را بطور حزم قائل شد که قوت آن بمفرد الاثر بود این موضوعات را تقریباً باید به نظام عرفی واگذار کرد که کسی که مسافرتی کرده است وعادت بر این چارچ است که يك اطلاعاتی از او برسد با کسی دیگر از حال او بنویسد و يك مدعی هم گذشت که نگران بشوند کایانوار و دیگران و تقریباً اجماع موت و حیات او مساوی میشود قوت میکولم مفرد الاثر یعنی بر طرف میانه که

کجا را بمفرد الاثر بگیرد پس باید که اثری از او برسد حالا کترسیده است بمفرد الاثر است ولی يك قیمت مدعی برای او مین کردن خیلی مشکل است برای اینکه ما با هر چه خیلی مختلف است نسبت با پنجاس يك اشخاصی هستند از دعوات میروند بلند در ششماه هم کاغذ بخوانند و اینها را میسر میکنند ولی اشخاصی هستند که مسافرت میکنند و هر چند که بگیرند یا نگیرند نمیتواند و با کاغذی نمیتواند با اینکه بگیرد از او اطلاع میدهد و همچنین در مسافرت خارجه و داخله و با اینکه مدرس دارد با اطلاع دادند با هر سه ندارد چون اینجا مختلف است مشکل است مدت مدعی برای آن ذکر کرد و بهتر همین است که همان بتمام عرفی واگذار شود.

مطهر - البته آقای اورنگ به مواد بعد هم مراجعه فرمودند آنجا فرق گذاشته شده بین این که غایب است یا اینکه بیشتر اجماع قوتی نام دارد در آنجا کما اجماع قوت است وقت همین شده است چه سال و چهار سال و پنجسال اما حالا فرین بر این است که يك غایبی است که چیزی از قوت او نیست و البته میداند که استصحاب حائلی باقی است و باید بگویم که حیات دارد چون چیزی از قوتش نرسیده است این است که در اینجا بیچون و بدون مین گنید باید که نتیجه در کجا حاصل میشود ؟ در اموال اوست يك مرتبه هست که يك بیشتر بر سر کارها ؟ گذارد این باز در قانون مین شده يك مرتبه هست که هیچکس را مین نگردد دوسال - سه سال غایب است و از او اثری نیست اینجا تکلیف بر این است که مدعی العموم در کار او مداخله کند مثل اینکه قیم مین میکند باولی مداخله میکند و اگر چنانچه از وارث او یا از اولاد او کسی آمد و نامین داد و ضامن داد مداخله دیگر آن غایب نمیکند و مین بفرمایند که این قیمت اولی که قوت مین گنید باید که مین بفرمایند و او را چه چون چند نفر مین است دوش کرده پس بهتر این است که هر فرد دعوات و گذارد که اگر کسی بماند که یکسال دوسال - سه سال

خیرسی از او فریب و کسی هم نباشد که اموال او را اداره کند آفرقت مدعی العموم در امواتش مداخله کند والا اگر يك مدفنا مین کردیم آفرقت اگر دوسال مین کردیم در یکسال میتوانیم ممکن است اموال آن شخص از بین برود از این جهت حضرتعالی هم خوب است مبنطور که ماده هست موافقت بر ما نماید ولی از جهت لوت که احتمال لوت داده شود آن برایش تاریخ مین شده، دسسال و پنجسال در قسمتهای مختلف در نظامی چند سال در کسی که کتبی سوار شده باشد چند سال و بالاخره تا دسسال و چون ایدم تا آخر حادث است ما فوت را با دسسال آن کسی که خبر میاید بگیریم و از آن روز هم با دسسال آن کسی را - رئیس - آقایی که با ماده ۱۰۱۱ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۱۲.

ماده ۱۰۱۲ - اگر غائب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی مین کند محکمه باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور اداره داشته باشد محکمه برای اداره اموال او يك نفر امین مین میکند تقاضای تعیین امین از طرف مدعی العموم و اشخاص ذفق در این امر قبول میشود.

رئیس - موافقت با ماده بر خیزند.

(بده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۱۳.

ماده ۱۰۱۳ - محکمه میتواند از امینی که تعیین میکند تقاضای شامن یا تضمینات دیگری نماید.

رئیس - آقای دنیا.

طباطبائی دویا - بنده عقیدم این است که اینده اینطور مریساده کسی نمی آید امتنا! قول کند برای اینکه محکمه یک کسی را امین مین می کند و آن شخص خبر ندارد بعد پاورند او را در محکمه و محکمه از او ضمانت بخواهد گمان نمیکند که کسی قول امتنا کند و بلاخره شخص وثیقه امین شد دیگر احتیاجی ضمانت ندارد اگر امین است که شامن

وزیر عدلیه - خیال بدکنیم صورت آقایان خیل منطبق مهمی داشته باشد برای اینکه این قانون است وفقی که يك وارثی نیست که اموال غائب مفقود الاثری را اداره کنیم و اینهم بالاخره جزء امور خیریه و عمومی و تکالیف بشری است که مال يك غائب مفقود الاثری باید حفظ شود کی در درجه اول یعنی چه قسمی وجه شخصی را میتوان مسئول این کار قرار داد البته عمکه و مدعی العموم و مقامات قضائی ولی آنها که نمی توانند خودشان اینطور تصدی ها را بکنند باید از افراد مردم انتخاب کرد از افراد مردم هم مسائلمر که همه چیز مختلف است احوالات افراد بشر هم لزومه چیز اختلافی زیاد تراست اشخاصی هستند که حقیقتاً امین هستند و با هر تکلیفی هم حاضرند بلکه خودشان علاقمند هستند باینکه يك کار خیریه بکنند با از نقطه نظر دوستی باعطفاً بهریت میل دارند که يك مالی را حفظ کنند و حاضر هم هستند که ازراه احتیاط محکمه که تضمین خواست است شامن بدهد مال خودش را اگر میدهد با يك ضامن میدهد اشخاصی هم هستند که نمیتوانند این کار را اشخاص خوبی هستند امین هم هستند ولی بهشان بر میخورد و شامن بدهند. اشخاصی هم هستند که امین نیستند و اقدام در این کار ها می کنند اشخاصی هم هستند که اگر شامن بدهند ممکن است که شامنش هم مثل خودش باشد پس تمام افراد و مسائلمر و - مراد را نمی شود تطبیق با حکم کرده و نیست که حکم در آورد الا اینکه آن مقام رسمی که میخواهد اینکار را بکند باید احتیاط خودش را بکند برای اینکه معلوم باشد که اگر بر خلاف رفتار شد و انلاف یا تعدی در آن اموال شد مسئولیتش متوجه کسی خواهد بود این قسمت باید معلوم باشد اگر بگوئیم که عمکه امین مین میکند عمکه امین مین کرده کسی را که او مین کرد میگوید امین است و این دالتر آن آدم هم وفقی که خورد دیگر شامن لیست و مرود می کارش آفرقت

رئیس - آقای ابر.

ابهر - البته قسمت عمده عرایض بنده مین بود که آقای وزیر عدلیه بیان فرمودند بطور مطلق میشود گفت ممکن است که امین غائب فور و خویشی داشته باشد که علاقه مند باشد و از راه علاقه و دوستی مال این غائب را حفظ کند حاضر مینماید و شامن هم میدهد ولی قسمت اخیر را کافر بودند که با اختیار عمکه باشد اگر خواست شامن بگیرد یعنی اگر عقیده ندارد شامن بگیرد ولی این قسم - سوپروانده تمام خواهد کرد و بنده عقیده ام این است که این لفظ میتواند کافی است و حل آن قسمیه هم میشود و مطلق هم میشود لوت مردم را کت که هیچ حاضر در امور خیریه نیستند مثل بقی اوصاف فردی مینماید در مردم هست و غالباً باید اعمال را با افعال مسلم را حمل بر صحت کرد و اینطور نباشد گفت که هر کسی اقدام يك امور خیریه نمود يك نظر سولی دارد و میخواهد مال کسی از بین ببرد ممکن است سوه ظن هم داشته باشد ولی بطور مطلق نباید گفت که نظر سولی دارد.

رئیس - آذربایکی با ماده هزار و سیزده موافقت دارند قیام فرمایند (اكثر برخاستند) تصویب شد ماده هزار و چهارده.

ماده ۱۰۱۴ - اگر يك از ورثان غائب تضمینات کافی بدهد عمکه نمیتواند امین دیگری مین نماید و وارث زبور باین سمت معین خواهد شد.

رئیس - موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و پانزده

ماده ۱۰۱۵ - وظایف و مسئولیت های امنیتی که بموجب مواد قبل معین میگردد همان است که برای قیام مقر است .

مواقفین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده هزار و شانزده

ماده ۱۰۱۶ - هرگاه هم فوت وهم تاریخ فوت غالب معقود الاثر مسلم شود اموال او بین ورثه موجود حین الموت تقسیم میگردد اگر چه با یک چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب بیعت فوت کرده باشد .

مواقفین بر خیزند (غالب ایستادگان برخاستند) تصویب شد . ماده هزار و هفده

ماده ۱۰۱۷ - اگر فوت غالب بدون تعیین تاریخ فوت ثبت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غالب بین ورثانی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود (اکثر قیام نمودند)

ماده هزار و هجده

ماده ۱۰۱۸ - مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود .

مواقفین بر خیزند . (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده هزار و نوزده

ماده ۱۰۱۹ - حکم موت فرضی غایب در موردی صادر میشود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمیباشد

مواقفین با ماده ۱۰۱۹ قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده هزار و بیست

ماده ۱۰۲۰ - موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمیشود .

۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در اثناء مدت مزبور سن غالب از هفتاد و پنجسال گذشته باشد

فرض کند همه آنها هم بر روی تعیین و تشخیص خود باشد یا باز کار برای محاکم مشکل میشود و نظر محکمه هم یک نظری نباشد که ما معامه جا بگیریم متبع است . نظر محکمه در حدود قوانین معتبر روشن است نه بطور مطلق و اما اینکه در بعضی نقاط دنیا وسائل ارتباطی که است اولاً اینها نوعی است و این مسائل از زوری مصالح نوعی تدوین میشود ، بآن جاها آمد و رفت هم کم است ، بخصوص کتر با آنجا میروند فرض کنید که پنجسال ده سال به افریقا رفت و خبری نباشد قطعاً مرده است و زودتر میشود حکم موثقی را داد باین مناسبت بعضی قوانین هم که با قوانین دیگر تطبیق شده است همینطور است و اینطور نیست که غالباً معقود الاثر را در اروپا اینطور در نظر بگیرند و جاهائی که در خود اروپا مسافرت کرده اند و میکنند آنها بیشتر به مالک دور دست و وحشی مسافرت میکنند

مواقفین بر خیزند (اکثر قیام نمودند)

ماده ۱۰۲۱ - در مورد فتره اخیر ماده قبل اگر با اقباضی مدتها قبل که مبدأ آن از زودتر کتنی محسوب میشود یعنی بقصد رسیدن باشد و در صورت حرکت بدون مقصد که بقدری که از آنجا حرکت کرده بر نگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کتنی تلف شده محسوب میشود .

الف - برای مسافرت در بحر خرد و داخل خلیج فارس یکسال .

ب - برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) - بحر سیاه و بحر اذوف دو سال .

ج - برای مسافرت در سایر بلاد سه سال .

مخالفی نیست (گفته - خیر) آقایانکه موافقت دارند قیام فرمایند (جمعی کثیر قیام کردند)

تصویب شد . ماده هزار و بیست و دو :

ماده ۱۰۲۲ - اگر کسی در نتیجه واقعه ای بجز آنچه در فتره ۳۰۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا دوطرفه بوده و طرفین معقود شده وقتی میتوان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

فرض کند همه آنها هم بر روی تعیین و تشخیص خود باشد یا باز کار برای محاکم مشکل میشود و نظر محکمه هم یک نظری نباشد که ما معامه جا بگیریم متبع است . نظر محکمه در حدود قوانین معتبر روشن است نه بطور مطلق و اما اینکه در بعضی نقاط دنیا وسائل ارتباطی که است اولاً اینها نوعی است و این مسائل از زوری مصالح نوعی تدوین میشود ، بآن جاها آمد و رفت هم کم است ، بخصوص کتر با آنجا میروند فرض کنید که پنجسال ده سال به افریقا رفت و خبری نباشد قطعاً مرده است و زودتر میشود حکم موثقی را داد باین مناسبت بعضی قوانین هم که با قوانین دیگر تطبیق شده است همینطور است و اینطور نیست که غالباً معقود الاثر را در اروپا اینطور در نظر بگیرند و جاهائی که در خود اروپا مسافرت کرده اند و میکنند آنها بیشتر به مالک دور دست و وحشی مسافرت میکنند

مواقفین بر خیزند (اکثر قیام نمودند)

ماده ۱۰۲۱ - در مورد فتره اخیر ماده قبل اگر با اقباضی مدتها قبل که مبدأ آن از زودتر کتنی محسوب میشود یعنی بقصد رسیدن باشد و در صورت حرکت بدون مقصد که بقدری که از آنجا حرکت کرده بر نگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کتنی تلف شده محسوب میشود .

الف - برای مسافرت در بحر خرد و داخل خلیج فارس یکسال .

ب - برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) - بحر سیاه و بحر اذوف دو سال .

ج - برای مسافرت در سایر بلاد سه سال .

مخالفی نیست (گفته - خیر) آقایانکه موافقت دارند قیام فرمایند (جمعی کثیر قیام کردند)

تصویب شد . ماده هزار و بیست و دو :

ماده ۱۰۲۲ - اگر کسی در نتیجه واقعه ای بجز آنچه در فتره ۳۰۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا دوطرفه بوده و طرفین معقود شده وقتی میتوان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

مخالفی نیست .

۲ - وقتی که بکثیر بتوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ معقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد مسلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی بانعقاد مسلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود

۳ - وقتی که بکثیر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد .

رئیس - آقای امیر

امیر - تمام این فرضیهائی که شده است بعقیده بنده دقت های خوبی است ولی بنظر بنده باک اصول کالی است که باید رعایت شود در جاهائی که مسائل ارتباطی نسبت بسایر اقوام و ممالک مختلف است البته این قوانین اگر در ممالک اروپا باشد که تلگراف باسیم و بی سیم و وسائل اخبار و بیست ها و چاپها زیاد است غالباً اینطور است ولی

اگر چنانچه در ممالک دور دست مثل ممالک افریقا که هنوز وسائل ارتباطی اینطور رونق نگرفته است بنظر بنده نمی شود این مسائل اروپا را مقیاسی گرفت ملاحظه میفرمایند

در بعضی از نقاط چین هست که پست ها و چاپها با چقدر فرق دارد ممکن است مسافری برود در چین و بعد از هشت سال خبری بیاید ولی در پارسی بعد از یکماه خبری می آید اگر این جا هم بنظر بنده یک پیش بینی میگردند

که بنظر محکمه و اگر گذار میگردند که وسائل ارتباطی نقاط را در نظر میگردند بهر بود چون دنیا در رسیدن اخبار مساوی نیست

وزیر عدلیه - اینها مسائلی نیست که بتوانت باختیار محکمه فرار داد چون باید در قانون یک مسائلی معین باشد تا تکلیف محکمه هم معسابق آن میزان معین شود یعنی محکمه باید بداند که از زوری یک قانونی رفتار بکند والا بلد بخواد محکمه چه بکند ؟ درک جا محکمه ممکن است طوری فرض کند در جای دیگر طوری دیگر

مخالفی نیست

مخالفی نیست

مخالفی نیست

مخالفی نیست

مخالفی نیست

مخالفی نیست

رئیس - با براین مواظبن برخیزند (عده زیادی بلند شدند) - تصویب شد. ماده هزار و بیست و سه -

۱۰۲۳ ماده - در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ محکم، وقتی میتوان حکم موت فرضی غایب را صادر نناید که دودکی از جرایم محل و یکی از روزنامه‌های کثیر الاشاره طهران اعلانی درسه مدتی اهل هر کدام فاسله یکمده منتشر کرده و اشخاص را که ممکن است از غایب خبری داشته باشد دعوت نناید که اگر خبر دارند با اطلاع محکم برسانند - هرگاه پیکال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت شود حکم موت فرضی او داده میشود.

رئیس - کسانیکه با این ماده همراهند برخیزند (اغلب برخاستند) - تصویب شد. ماده هزار و بیست و چهار :

ماده ۱۰۲۴ - اگر اشخاص مفقود در یک حادثه تلف شوند فرض بر این میشود که همه آنها در آن واحد مردودند.

مقاد این ماده مانع از اجرای مقررات ماده ۸۷۴ و ۸۷۵ جلد اول این قانون نخواهد بود.

رئیس - نظری نیست (گفتند - خبر) آقایان مواظبن قیام فرمایند (عده زیادی قیام ننمودند)

تصویب شد. ماده هزار و بیست و پنج - ماده ۱۰۲۵ - وراثت غایب مفقود الاثر می‌تواند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از نسبه کفالتناشاییک نمایند که دارای اوراق یا تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه او لا غایب مزبور حکم را بری ندارد کردن اموال خود ممن نکرده باشد و تا آنجا دوسال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات پیداست او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ و اجاب اعلان مدت یکسال حتمی است.

اورجیک - متناهی نیست.

رئیس - آقایان مواظبن برخیزند (عده زیادی برخاستند) - تصویب شد. ماده هزار و بیست و شش: ماده ۱۰۲۶ - در مورد ماده قبل وراثت پیداستن و یا تضمینات کفیه دیگر بدهند در صورت مراجعت

غایب و یا در صورتیکه اشخاص اناک حقی بر اموال او داشته باشند از هفده اموال و یا حق اشخاص ثالث آید. تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست (گفتند - خبر) آقایان همراهان با این ماده برخیزند (عدهای برخاستند) - تصویب شد. ماده هزار و بیست و هفت: ماده ۱۰۲۷ - بعد از صدور حکم موت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانیکه اولاً بنسوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود میباشد سترده مزبور.

رئیس - آقایان مواظبن برخیزند (جمعی برخاستند) - تصویب شد. ماده ۱۰۲۸

ماده ۱۰۲۸ - امینتی که برای اداره کردن اموال غایب مفقود الاثر معین میشود باید نفقه زوجة دائم یا منقلمه که مدت او نگذشته و نفقه او را نهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارایی غایب نآدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن بعهده محکم است.

رئیس - آقایانیکه باماده مواظبن برخیزند (عده برخاستند) - تصویب شد. ماده الحاقیه بیست و نهمی

آقای شاهرودی: ماده الحاقیه - اشیاع خارجی که در سال در ایران اقامت نموده باشند از قسمت اول ماده ۹۸۳ معاف خواهند بود

شاهرودی - در قسمت اول ماده ۹۸۳ قید شده است که هر یک از اشیاع خارجی بخواهند تابعیت ایران را قبول کنند بایستی سواد معدوق سبیل احوال خود را ارائه بدهد در صورتیکه بسیاری از اشخاص هستند که متوقف هستند در ایران در سال یا زاده سال بیست سال و زبر برای آنها فراهم کردن سبیل احوال یعنی سواد معدوق آن خبیل مشکل خواهد بود این است که بنده پیشنهاد کردم که این ماده الحاقیه ضمیمه شود: کسانیکه در سال

دو برابران اقامت داشته باشند از آن قسمت معاف باشند و تصور میکنم اگر آقای وزیر محترم عدهای مواظبن بفرمایند این يك نوع سهیلی است برای اشخاصی که میخواهند تبعیت ایران را قبول کنند و منظورانی از این جهت نداشته باشند که سهیلی فراهم میشود

رئیس - آقای طباطبائی دیا - اینجا بنده می‌بینم کتلهایی از قانون مدنی می‌آید و تصویب مجلس میرسد و در هر چند یکبار از این کتلهای تاریخ اجرای آنها هیچ معلوم نیست اینها همه جمع میشود و يك جلد میشود که تاریخ اجرای معلوم نیست این لایحه شور دوشم تمام میشود و تصویب میشود و میرود لایحه دیگری مطرح میشود و خبری از کی‌رسون می‌آید و هیچ تاریخ اجرا ندارد بنده عقیده ام این است که هر یک از این انواع قانون مدنی که قسمت قسمت تصویب میشود تاریخ اجرای هم باید معین شود که بعد اسباب اشکال نشود

رئیس - نظر بنده این است که تا يك قسمتی از کتلهای تمام نشده است تاریخ اجرا معین نشود و بعد يك جا معین شود بهتر است

افشار - در خود قانون مدنی هم هست

رئیس - آقایانیکه باماده هزار و سی مواظبن برخیزند (عده برخاستند) - تصویب شد. ماده الحاقیه بیست و نهمی

آقای شاهرودی: ماده الحاقیه - اشیاع خارجی که در سال در ایران اقامت نموده باشند از قسمت اول ماده ۹۸۳ معاف خواهند بود

شاهرودی - در قسمت اول ماده ۹۸۳ قید شده است که هر یک از اشیاع خارجی بخواهند تابعیت ایران را قبول کنند بایستی سواد معدوق سبیل احوال خود را ارائه بدهد در صورتیکه بسیاری از اشخاص هستند که متوقف هستند در ایران در سال یا زاده سال بیست سال و زبر برای آنها فراهم کردن سبیل احوال یعنی سواد معدوق آن خبیل مشکل خواهد بود این است که بنده پیشنهاد کردم که این ماده الحاقیه ضمیمه شود: کسانیکه در سال

رئیس - عرض کنم آن ماده را که بمفرمایند این تبصره بیان ملحق شود آن ماده تصویب شده است یعنی در سبیل او تصرف میشود این جا هم که بمفرمایند عاقل نیست - نظر من این است که اگر مواظبن بمفرمایند کی‌رسون خودی در جریان قوانین بعد این مسئله را تأمین کنند (صحیح است)

رئیس - بسیار خوب

رئیس - آقای شاهرودی خود کی‌رسون این مطلب را در يك حقی که مناسب باشد اضافه میکنند. همینطور بکنند؟

شاهرودی - بل بیاد تا در يك چایی که کی‌رسون صلاح میداند این منظور را تأمین کند

اورجیک - بل در هر جا که کی‌رسون صلاح دانست ملحق کند

رئیس - مذاکره در کلیات آخر است. مخانی نیست؟

(انتهای نشد) آنگاهیکه باجموع این مواد موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.
۴ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف وزارت عدلیه |
 وزیر عدلیه - در لایحه است که تقدیم میکنم: یکی از قانون مدنی است مشتمل بر پنججاه و یک ماده. دیگری لایحه ایست راجع باحقاد دولت ایران بر افراد ارباب المال

راجع بجاوگیری از اجتهاد زلفا و جاوگیری از برن آنها (صحیح است - بسیار خوب)
۵ - موعود دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
 رئیس - اگر اجازه هیزماهید جلسه را در ختم کنیم؟
 (صحیح است) **جلسه آینده شنبه ۴ اسفند ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور اوابیح موجوده -**
(مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - چاندگر

قانون مدنی

کتاب دوم در تأیید

ماده ۹۶۶ - اشخاص ذیل تبه ایران محسوب میشوند:

- ۱ - کلبه ساکنین ایران پستی اشخاصی که نسبت خارجی آنها مسلم باشد نسبت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تأیید آنها مورد اصرار دولت ایران باشد
- ۲ - کسانی که پند آنها ایرانی است امم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشد
- ۳ - کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر مسلم باشد
- ۴ - کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند
- ۵ - کسانی که در ایران از پدری که تبه خارجه است بوجود آمده و متعلقه پس از رسیدن به سن بیجده سال تمام لاقول یکدل دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تأیید ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تأیید ایران مقرر است

۶ - هر زن تبه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند

۷ - هر تبه خارجی که تأیید ایران را تحصیل کرده باشد

تفسیر - احوال متولد از نیاکان سیاسی و قانونی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نتوانند بود

ماده ۹۶۷ - اشخاص مذکور در فقره اول حق دارند پس از رسیدن به سن بیجده سال تمام تا یک سال تأیید پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در طرف دولت فوق اظهاری کنی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت متعلق پدرش را بر اینکه آنها را تبه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد

ماده ۹۶۸ - نسبت متعلق که در ایران از اتباع دولتی متولد شده باشد که در مسالکت متبوع آنها احوال متولد از اتباع ایران را بویجبه مقررات تبه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به نسبت ایران منوط باینکه مسالنه متعلقه نخواهد شد.

ماده ۹۶۹ - اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می توانند تأیید ایران را تحصیل کنند

۱ - سن بیجده سال تمام رسیده باشند

۲ - بیچمال امم از متوالی و مدارک در ایران ساکن بوده باشند

۳ - فراری از خدمت نظامی نباشند

۴ - در هیچ مسلکی به چینه امم پذیرفتن غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است

ماده ۹۷۰ - کسانی که پندور عالم الفقه ایران خدمت یا مسالمت شایسته کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای حال ایرانی و از او اولاد دارند و یا دارای مقام علمی ملی و متعلقه در امور عالم الفقه هستند و تقاضای ورود به نسبت دولت شاهنشاهی را مینمایند دوسوریکه دولت ورود آنها را بتأیید دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت مسکن است با تصویب هیئت وزراء نسبت ایران قبول شوند

ماده ۹۷۱ - اگر در طرف دولت بیچمال از تاریخ صدور سند تأیید معلوم شود شخصی که به نسبت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و هم چنین هر کس قبل از اشخاص مدنی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات سرور زمان مسلم میشود معلوم گردد شخصی که به نسبت قبول شده محکوم بچینه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم شروع او را از تأیید ایران صادر خواهد کرد

تفسیر - اوابیح خارجه که بتأیید ایران قبول میشوند در صورتیکه در مسالک خارجه متوقف باشند و مرتکب جنایات قبی شوند علاوه بر ابرای مجازات های مقرره یا اجازه هیئت وزراء نسبت ایران از آنها سلب خواهد شد

الف - کسانی که مرتکب جنایاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و معافیت و صدارت یا ابراس حکومت ملی و آزادی نباشند

ب - کسانی که خدمت نظام وظایف را بطوری که قانون ایران مقرر میدارد ادا نینمایند

ماده ۹۷۲ - اشخاصی که تحصیل تأیید ایرانی نموده یا بتأیید از کلبه متعلقه برای اربابان مقرر است باشند حق رسیدن به مقام وزارت و کدلت و وزارت و یا هر که مانوریت سیاسی خارجه بوده منته میشوند لیکن نمیتوانند بامکان ذیل عمل کنند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تأیید

- ۱ - مقدمات مجاری ممتنع
- ۲ - مقدمات اجتماعی ابانی و ولایتی وادی .
- ۳ - استقامت وزارت امور خارجه
- ۴ - درخواست ثابت باید مستجاب یا بترسما حکام دولت وزارت امور خارجه تسلیمشده واداری منقضات قبول باشد
- ۵ - ۱۹۲۳ - درخواست استقامت صورت تلقفاً تکتمه و بیان و اولاد او .
- ۶ - تعیین قضا نظایه دادی به تعیین مدت اذیت تکتمه در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکات کافی یا شایع
- ۷ - مین مین عالی تالیف همی . وزارت امور خارجه در صورت بروز امکالات راهبه و شخص تکتمه را در کتب و اوراق و هیات وزراء ارسال خواهد نمود . ثابت مورد در اولاد را در آن تعیین منقضی اذیت کند در صورت قبول شدن تکتمه ثابت بخدمت وزارت کتمه تسلیم خواهد شد

ماده ۹۸۸ - زن و اولاد صبیگ کسی که بر طرف این قانون تحصیل ثابت ایران میباشد تیره دولت ایران شایسته میشود ولی زن در طرف یکسال از تاریخ صدور سند ثابت شوهر و اولاد صبیگ در طرف یکسال از تاریخ رسیدن سن مجده سال تمام بخواهند اظهاریه کنی بوزارت امور خارجه داد و ثابت ملکات سابق شوهر و یا پذیرا شود کنند لیکن بپذیرای اولاد هم از طرف و اذیت تحریک ماکرور در ماده ۹۷۷ صبیگ خود .

ماده ۹۸۹ - تحصیل ثابت ایرانی پدر بپذیرای در ذمه اولاد او که در تاریخ تکتمه نام بن مجده سال تمام رسیده اند

ماده ۹۹۱ - زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی میشود بخواهد بعد ازطلاق از فوت شوهر ایرانی یا ثابت اولاد خود وجود نیاید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه و او کتباً معام کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نتواند ناماد ک اولاد او را بن مجده سال تمام رسیده از این سن استقامت کند ودر هر حال زنی که مطابق این ماده ثابت خارجه میشود حق داشتن اولاد غیر متعلقه بخواهد نداشت مگر در حدودی که این حق بتابع عسکره داده شده باشد و هر گاه فرد ایرانی غیر متعلقه پیش از آن چه بخواهد اظهار خارجه داشته آن جایز است بود و یا دراز ایزت اولاد غیر متعلقه پیش از آن حد یاو برسد باید در ظرف یکسال در تاریخ خروج از ثابت ایران یا دارا شدن ملک در مورد اهرت مندر امارد را بپذیری از انعام بتابع ایرانی منتقل کند و الا اولاد بپذیرای با نظارت همی السوم عمل فریض رسیده و پس از وضع غرض فریض ثبت بآنها داده خواهد شد

ماده ۹۹۲ - زن ایرانی صبیگ یا بنیه خارجه مزاوله میباشد با ثابت ایرانی خود یا بنی خواهد داد مگر اینکه مطابق قانون ملکوت خود ثابت شوهر بوراسمه وقوع عند ازدواج زوج تحصیل شود ولی در صورت بدد از فرزندان ثابت و یا غیر حق صرف تالیف درخواست بوزارت امور خارجه یا بشماره ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق ثابت اصلیه زن یا بیع متوق و اطلاقات راهبه بان میدهند آن حق خواهد گرفت

ماده ۹۹۳ - هر گاه قانون ثابت ملکوت زوج زن را بن حفظ ثابت اصلی و ثابت زوج مقبر یکگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد ثابت ملکوت زوج را در خارج و حال موجودی هم برای نتایج خود درست واکتف باشد بشرط تعیین تکتمه نامه کنی بوزارت امور خارجه . مین است یا در خارج او بخواهد کرد

ماده ۹۹۴ - زوجهی ایرانی که بر اثر ازدواج ثابت خارجه را تحصیل میکند حق داشتن اولاد غیر متعلقه نیز او که بجزیره ۲ - زوجهی ایرانی که بر اثر ازدواج ثابت خارجه را تحصیل میکند حق داشتن اولاد غیر متعلقه نیز او که در موقع عقد دارا بوده اند نداشتن این حق بهر دو وراثت خارجی آنها منتقل نمیشود

ماده ۹۹۵ - در صورت ۱۹۸۸ - در وقت خروج از متولدین متزور خواهد بود .

ماده ۹۹۸ - ایرانیان نمیتوانند ثابت خود را ترک کنند مگر بشرط قبضه قول

۱ - پس از ۲۵ سال تمام رسیده باشد

۲ - هیات وزراء خروج از ثابت آنان را اجازه دهد

۳ - بلا تشویر ثابت که در طرف یکسال از تاریخ ترک ثابت متوق شود در بر اولاد غیر متعلقه که در ایران دارا میباشد و یا مدکن است بازمانده دارا شوند و فریض اینها بخواهد نماند آزا بیایع خارجه بدهد بصوری الزامه بتابع ایرانی منتقل کنند بزرگه و امثال کسی که بر مبنی این ماده ترک ثابت میباشد هم از اینکه امدت متزور صفر یا کثیر باشند از تفریق ایرانی خارج نمیشوند مگر اینکه ایزده هیات وزراء شامل آنها باشد

۴ - عندت عند التراج خود را اجم داده باشد

۵ - بجزیره ۳ - در صورت فریض اینها مزاوله و نداشتن ترک ثابت ایرانی و قول ثبت خارجه نمیتواند علاوه بر ایرانی متفرقی که سابق تر از این مرد در طرف است مقرر است باید در مدت یکسال از تاریخ خروج خودن چاهه در طرف مدت متزور خارج نشوند مصلحت صدمه اسر باخراج آنها فریض اولادکن صادر خواهد نمود و چنان شخصی هر گاه در آیه بخواهد که ایران نیاید ایزده مخصوص هیات وزراء آنها باید دفعه و مدت مین لازم است

ماده ۹۹۹ - هر زنی ایرانی که بمون عریض متفرق قانونی بد از تاریخ ۱۳۲۵ شمسی ثابت خارجه تحصیل کرده باشد

ثبت خارجه از کسان که مان بود و بنیه ایران شایسته بفرقه ولی در همین حال کتباً احوال فریضت اهری بظان همی السوم عمل فریض رسیده و پس از وضع مفراج فریض قیفاً آن باو داده خواهد شد و بپذیرای از ۱۳۲۵ بوزارت و ادارت وزارت صنایع معیاش ممتنع و از این های ابانی و ولایتی و وادی و ترکوه معالی دولتی السوم خواهد ایزد

ماده ۹۹۰ - از اتباع ایران کسی که خود یا بپذیرای مزاوله در خارج ثابت کرده باشد و بپذیرای بجهت اهلیه خود دومی ثابت بپذیرای بخواهد یا ثابت ایران قبول خواهد کرد مگر آنکه دولت ثابت آنها را اصلاح کند

ماده ۹۹۱ - تکلیف سربوط ایزده از این ثابت و ایزده مانت قدری (سارق شناسی) در مورد کسانی که نتایج خود و خروج از فریض دولت نتایجی بخواهد یا بنیه و ثابت اصلی را در خارج بپذیرای نظارت کند بصوب هیات وزراء خواهد رسیده مین خواهد شد

کتاب سوم - در استناد سجل احوال

ماده ۹۹۲ - سجل احوال هر کسی بصوب قدری که برای این امر مقرر است مین میشود

ماده ۹۹۳ - در ورفیل باید در طرف مدت و طریق که بصوب قوانین باطلات معصومه مقرر است بجزایر سجل احوال امکات داده شود

- ۱ - ولادت هر طفل و همچنین سلف فریض که در ایزده ششم از تاریخ حمل وافر شود
 - ۲ - ازدواج اعم از دائم و متعلق
 - ۳ - طلاق اهری از یک زن و روس و همچنین بیاض مدت
 - ۴ - وفات هر شخصی
- ماده ۹۹۴ - حکام فوت فریض کلیه که بر طبق مقررات کتاب پنجم اولاد هم این قانون صادر بپذیرای در ورفیل سجل احوال ثبت شود

ماده ۹۹۵ - تغییر معانی که در دفتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بصوب یکم عکله

ماده ۹۹۶ - اگر عدم صحت معانی که در دفتر سجل احوال اخطار شده است در مکته ثبت گردد بخواهد کسی که در دفتر سجل احوال بجزایر قبول اهری شده است مین خود و یا حکم فوت فریض کلیه ابطال گردد مراتب این در دفتر سربوطه سجل احوال قید شود

ماده ۹۹۷ - هر کسی باید دارای نام خانوادگی باشد .

انعام نام های مخصوصی که بصوب نظامنامه ایزده احوال مین میشود متزوج است

ماده ۹۹۸ - هر کسی که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق استناد کرده باشد میتواند اهری دومی کرده و در مقدمه قوانین سربوطه تغییر نام خانوادگی ثبت را بپذیرد

ماده ۹۹۹ - اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات سربوطه باین اثر تغییر دهد هر قلع میتواند در ظرف مدت و به طریقیکه در قوانین باطلات مخصوصه مقرر است اشراف کند

ماده ۱۰۰۰ - سند ولادت اشتباهیکه ولادت آنها در مدت قانونی بایزده سجل احوال اخطار شده است سند رسمی بصوب خواهد بود .

ماده ۱۰۰۰ - سایر مطالب واقع بجزایر احوال بصوب قوانین و نظامنامه های مخصوصه مقرر است .

ماده ۱۰۰۱ - قانون فریضت اهری در خارج باید نسبت ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود و نظایر او بصوب قوانین و نظامات جاری مجوده دولتی سجل احوال مقرر است انجام دهند .

کتاب چهارم - در اذیتگاه

ماده ۱۰۰۲ - اذیتگاه هر شخصی عوارض است که شخص در آتیا سکونت داشته و مرکز مهم امور او از نیز فر آتیا باشد اگر محل سکونت شخصی فر مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اذیتگاه محسوب است

ماده ۱۰۰۳ - اذیتگاه اشخاص متوفی هر مرکز معیاش آنها خواهد بود

ماده ۱۰۰۴ - هیچکس نمیتواند پیش از بن اذیتگاه داشته باشد .

ماده ۱۰۰۵ - تغییر اذیتگاه بصوب اذیتگاهی در محل دیگر بلی باید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور افریضت اهری آن باشد

ماده ۱۰۰۶ - اذیتگاه زن شوهر در همان اذیتگاه شوهر است مصلحت زنی که شوهر او اذیتگاه معلومی ندارد و هم چنین زنیکه با رضایت شوهر خود و یا با اجازه مدکنه مسکنی بلییده اشتراک کرده بخواهد اذیتگاه شخصی مجامده نتواند داشته باشد .

ماده ۱۰۰۷ - اذیتگاه صغیر و محدود جهان اذیتگاه ولی یا هم آنها است

ماده ۱۰۰۲ - افتتاحه مأمورین دولتی امر است که در آنجا مأموریت ثابت دارند .
 ماده ۱۰۰۳ - افتتاحه افراد نظامی که در سایر مستند محل سایر آنها است
 ماده ۱۰۰۴ - اگر اشخاص کسیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کار فرما یا مخدم خود سکونت داشته باشند افتتاحه آنها همان افتتاحه کار فرما یا مخدم آنها خواهد بود .
 ماده ۱۰۰۵ - اگر ضمن صلحه یا افرادی صلحه صلحه پانگی از آنها برای اجزای نهجدهت صلحه از آن صلحه معالی غیر از افتتاحه صلحه خود احتساب کرده باشند نسبت به صلحه صلحه پانگی آن صلحه همان صلحه که احتساب شده است افتتاحه او محسوب خواهد شد وهم چنین است در صورتیکه برای ابلاغ اوراق دولتی و ارسال و انتظار معالی او غیر از افتتاحه صلحه خود معین کند .

کتاب پنجم - در غایب و مفقودالات

ماده ۱۰۰۱ - غایب مفقود الاثر کسی است که از قبیل فوت یا انبساط مدتی گذشته و از او هیچچیز خبری نباشد
 ماده ۱۰۰۲ - اگر غایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی منکره باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تعدی او در او داشته باشد محکمه برای اندازه اموال او بیکر امین معین میکند عدلای معین امین نظر از طرف مدعی الموم و احتیاط ذی نفع در این امر قبول میشود .
 ماده ۱۰۰۳ - محکمه میتواند در امینی که معین میکند عدلای معین نماید .
 ماده ۱۰۰۴ - اگر یکی از ورثه غایب تدبیرات کلیه بدهد محکمه نی تواند امین دیگری معین نماید وراثت مزبور باین مدت معین خواهد شد
 ماده ۱۰۰۵ - وظایف و مشورتهای امینی که بوجه مواد قبل معین می گردد همان است که برای اطمینان مقرر است
 ماده ۱۰۰۶ - هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقود الاثر مسامرحود اموال او معین وراثت مزبور معین الموم تعیین میگردد اگر چه باین چند روز آنها از تاریخ فوت غایب و بعد فوت کرده باشد
 ماده ۱۰۰۷ - اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخ او را که فوت او در آن تاریخ معین بدهد معین کند در اینصورت اموال غایب بین ورثه ای که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود
 ماده ۱۰۰۸ - معاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود
 ماده ۱۰۰۹ - حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می شود که از تاریخ آخرین خبری صحت از حیوة او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند .
 ماده ۱۰۱۰ - موارد ذیلها را چنانچه مواردی محسوب است که عادتاً شخصی غایب زنده فرض نمی شود :
 ۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیوة غایب رسیده است گذشته و در احوال مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد
 ۲ - وقتی که بکسر چنانچه فرستاده جزه قفون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و ده سال تمام از تاریخ انقضاء مسلح بگذرد بدون اینکه خبری از او رسد هرگاه جنگ منتهی انقضاء مسلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود .
 ۳ - وقتی که بکسر حین سفر بگری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافت تلف شده است ده سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد .
 ماده ۱۰۱۱ - در مورد قتره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدتهای ذیل که مبد آن از روز حرکت کشتی محسوب میشود کشتی به مقصد فرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن هیچچیزی خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود .
 الف - برای مسافرت دوپهرخورد داخل خارج فارس بکمال .
 ب - برای مسافرت در بحر عمان - انبساط هند - بحر اوسر - بحر سفید (مدیترانه) بحر سیاه و بحر ارفوق دو سال
 ج - برای مسافرت در سایر بلاد مسافران
 ماده ۱۰۱۲ - اگر کسی در نتیجه واقعه ای غیر آنچه در قتره ۱ و ۲ ماده ۱۰۱۰ مذکور است دچار خطر حرکت کند و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی میتوان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن و خطر حرکت بگذرد بدون اینکه خبری از حیوة مفقود رسیده باشد
 ماده ۱۰۱۳ - در مورد مواد ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ وقتی میتوان حکم موت فرضی غایب را صادر نمود که در یکی از شرایط حمل یکی از روزنامه های کربلا انتشار طهاران اعلانی در سه هفته متوالی هر کدام بلامانع بکلیه منتشر گردد و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر فوری باطلاع محکمه برسانند . هرگاه بکمال از تاریخ اولین بکثرت و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده میشود

ماده ۱۰۱۴ - اگر اشخاصی متجدد در یک حادته تلف شوند فرض بر این میشود که آنها در آن واحد مرده اند . معاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ باشد اول این قانون ندرامد بود .
 ماده ۱۰۱۵ - دولت غایب مفقود الاثر میتواند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه بخواهد ثابت کند که او را تصرف آنها بحد مفروضه بر اینکه اولا غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دوسالی تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات او ثابت شود یا معلوم باشد . در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ واضح اعلان مدت بیکسال ضعیف است
 ماده ۱۰۲۲ - در مورد ماده قبل وراثت باید شامل در تدبیرات کلیه دیگر بجهت او در صورت مرابطت غایب یا در صورتیکه اشخاص ثالث حلی بر اموال او داشته باشند از جمله اموال او یا حق اشخاص ثالث بر آنچه تدبیرات مزبور با موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود
 ماده ۱۰۲۳ - بعد از صدور حکم موت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانیکه اموال او را و عنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اموال او عوض و یا مانع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود میباشد مسترد دارند
 ماده ۱۰۲۴ - امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقود الاثر معین میشود باید همه روزه تمام اقساطه که مدت فرسوده و بده او را بزوج سپرده کرده باشد واداره غایب را قرضات غایب بآنها نماید در صورت اختلاف در میزان همه تعیین آن بجهت محکمه است
 ماده ۱۰۲۵ - هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر نباشد از اموال خود غایب مطلق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ کار با او مطلق میباشد
 ماده ۱۰۲۶ - اگر شخصی غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مرابطت نماید نسبت به طلاق حمل زوج دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق زوج ندارد
 این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه بیستم و هفتم پانزدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سیصد و پنجاه و شش شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر